

کارکرد کلامی عدالت در اندیشه استاد مطهری.....

حمید نگارش

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

از موضوعاتی که از دیرباز به عنوان مهم‌ترین آرمان آدمیان مطرح بوده است نظریه عدالت می‌باشد. فضیلتی که تحقق آن زمینه‌ساز تحول در روح و روان انسان در اجتماع و فقدان آن منشأ ظلم و ستم و نابرابری می‌گردد. اصلی که حیات بخش جامعه بشری بوده و گرایش به آن شأنی از شئون فطری، آدمیان تلقی می‌گردد.

این نظریه از مهم‌ترین مسائل فلسفه سیاسی در جهان اسلام در بعد نظری و عملی بوده و از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران به شمار می‌آید. هم‌چنین عدالت ورزی خداوند از ارکان مهم خداشناسی اسلام بوده و یکی از اوصاف الهی می‌باشد که جایگاه ویژه‌ای در منظومه عقاید اسلامی یافته است تا جایی که از عدل به عنوان یکی از اصول پنج‌گانه دین و مذهب یاد می‌شود. از معدود اندیشمندانی که نظریه عدالت را مورد بررسی قرار داده استاد فرزانه مطهری است. گستره کلامی عدل در نگاه استاد که ریشه قرآنی دارد فراگیر، نظام‌آفرین و مبنایی بوده به گونه‌ای که از توحید تا معاد و از نبوت تا امامت و از آرمان‌های فردی تا هدف‌های اجتماعی همه بر محور عدل استوار می‌باشد. از نظرگاه استاد، عدالت نه تنها یک فضیلت که یک معیار و مبنای تمام قواعد حقوقی، فقهی است و شاید بتوان گفت بنیادی‌ترین اصل در علوم سیاسی و اجتماعی می‌باشد. آموزه عدل باکل نظام تکوینی و تشریحی جهان در ارتباط است و قبول یا رد آن سبب تحول اساسی در جهان بینی می‌گردد.

نظریه پردازی با استفاده از منابع دینی در جهت رفع شبهات را می‌توان در اندیشه کلامی استاد یافت. نوشتار حاضر جستجوگر نتایج کلامی نظریه عدالت در اندیشه استاد است.

واژگان کلیدی: نظریه عدالت، استاد مطهری، کارکرد کلامی، حسن و قبح عقلی، مقیاس بودن عدالت.

طرح مسئله

۱. از جمله مسائلی که استاد به آن پرداخته‌اند نظریه عدالت می‌باشد. این مقاله می‌کوشد بعضی از کارکردهای کلامی این نظریه را در آثار به جا مانده از ایشان تبیین کند. در واقع فرضیه تحقیق حاضر بیان نقش کلیدی نظریه عدالت در نظام کلامی استاد مطهری است و می‌کوشد اثبات کند که نظریه عدالت بسیاری از معضلات کلامی را حل می‌کند و معیاری در تشریح رفتارها و آموزه‌های دینی است.

۲. سعی نگارنده مبتنی بر نظریه پردازی است و می‌خواهد با نگرش اصولی مبتنی بر متون دینی اسلام، عدالت را براساس ساختار وجودی انسان از نظرگاه استاد، مورد بررسی قرار دهد. سؤال اساسی این است آیا می‌توان به نظریه‌ای در باب عدالت دست یافت که واقع‌نگر، فراگیر، عقلانی و هماهنگ با ویژگی‌های فطری باشد. اثبات این دیدگاه عدالت را از دو نگرش محدود فقهی که آن را ویژگی‌های فردی می‌داند و نگرش قضایی که تحقق آن را در برخورد با جرم بررسی می‌کند فراتر رفته و به تمام ابعاد هستی به ویژه انسان و جامعه راه پیدا می‌کند.

تعریف عدالت

برای عدل و عدالت معانی گوناگون هم چون رعایت تساوی و مساوات بر شمرده‌اند از منظر استاد، تعریف عدالت به مساوات قابل پذیرش نمی‌باشد.

آیا امکان دارد که در یک جامعه همه انسان‌ها عهده‌دار وکالت شوند. افزون بر این، انسان‌ها از لحاظ استعداد و امکانات مساوی خلق نشده‌اند گروهی استعداد هنری دارند، گروهی استعداد نویسندگی دارند، گروهی در فعالیت‌های اقتصادی موفق‌ترند با این

توضیحات روشن می‌شود که اگر عدالت را به معنای مساوات بگیرند نوعی ظلم و تجاوز خواهد بود و نابودی اجتماع را به همراه خواهد داشت. استاد مطهری معتقد است این نوع عدالت عین ظلم خواهد بود.^۱

از منظر استاد عدالت عبارت است از این که استحقاق و حقی را که بشر به موجب خلقت و به سبب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود و نقطه مقابل ظلم است که آن چه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فردی که در شرایط مساوی قرار دارند یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند.^۲

نکته: مبنای این تعریف آن است که در جهان تکوین و تشریح هر چیزی جایگاهی در خور خود دارد و عدل آن است که این تناسب مراعات گردد و هر چیزی در جای خود قرار گیرد. بدیهی است که در این صورت مراد از عدالت الهی آن است که خداوند با هر یک از آفریدگان خویش آن چنان که سزاوار است رفتار کند و آن را در موضعی که سزای اوست بنشانند و چیزی را که شایسته آن است به او عطا کند.

فلسفه اهمیت عدالت در کلام اسلامی

استاد در جواب این سؤال که چرا کلام اسلامی بیش از هر چیز به مسئله عدل پرداخته است می‌گوید:

از نظر ما ریشه اصلی و ریشه طرح‌های علمی و عملی مسئله عدل را در جامعه اسلامی در درجه اول در خود قرآن کریم باید جست‌وجو کرد. قرآن است که بذر اندیشه عدل را در دل‌ها کاشت و آبیاری کرد و دغدغه آن را چه از نظر فکری و فلسفی و چه از نظر عملی و اجتماعی در روح‌ها ایجاد کرد. این قرآن است که مسئله عدل و ظلم را در چهره‌های گوناگونش هم‌چون عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اخلاقی و عدل اجتماعی طرح کرد. قرآن تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش بر عدل و توازن و براساس استحقاق‌ها و قابلیت‌ها است. قرآن است که عدل را ترازوی خدا در امر آفرینش می‌داند و می‌فرماید: *والسمااء رفعها و وضع المیزان (الرحمن: ۷)* چگونه ممکن است مسئله‌ای که تا این پایه در قرآن بدان اهمیت داده شده که

هم جهان‌بینی است و هم معیار شناخت قانون و هم ملاک شایستگی زعامت و رهبری و هم آرمان انسانی و هم مسئولیتی اجتماعی، مسلمین با آن عنایت شدید و حساسیت فراوانی که به قرآن داشتند نسبت به آن بی تفاوت بمانند. علت اصلی راه یافتن این اصل در کلام و در حوزه‌های اسلامی دیگر، بلاشک قرآن بود.^۳

از منظر استاد، نظریه عدالت از یک سو به ایمان به خداوند و از سوی دیگر به مسئله نبوت و معاد ارتباط پیدا می‌کند و از سوی سوم با مسائلی چون پاداش و جزا، جبر و تفویض، فلسفه احکام و مانند آن. لذا اعتقاد به این اصل یا نفی آن مبنایی برای اعتقادات دین ما می‌باشد. ریشه این جامعیت و اهمیت، توجه قرآن به این آموزه مهم است.

فطری بودن عدالت

از منظر استاد مطهری در نهاد بشر گرایش به عدالت و عدالت‌خواهی وجود دارد. ایشان در جواب این سؤال که آیا انسان بالفطره طرفدار عدالت است و یا بالفطره متعدی است، می‌نویسد بدیهی است که انسان به تمام وجودش عادل و متنفذ از ظلم نمی‌باشد و الا ظلمی در جهان واقع نمی‌شد.^۴ در جای دیگر می‌نویسد فیلسوفان اروپا چنین نیروی فطری را در نهاد بشر رد می‌کنند و می‌گویند عدالت اختراع مردمان زبون است، حال آن که عدالت در نهاد بشر هست و اگر خوب بشر تربیت شود و زیر دست یک مربی قرار گیرد می‌رسد به جایی که عدالت خواه شود و علی (ع) نمونه یک انسان عدالت‌خواه است.^۵

نکته: ایشان، فطرت انسانی را بیان‌کننده مدل انسان اسلامی می‌دانند مدل انسان اسلامی عصاره همه موجودات و خلیفه خدا بر روی زمین می‌باشد، که دارای خلافت تکوینی، اختیار، قدرت و بالاخره عدالت‌خواهی است و برخلاف انسان غیر اسلامی. استاد می‌کوشد ثابت کند که انسان عکس‌العمل محیط و یا لוח نانوخته نمی‌باشد بلکه چراغی است که در او فروغ الهی به نام فطرت وجود دارد. عدالت‌خواهی و گرایش به عدل و تنفر از بدی و ستم جزئی از ساختار وجودی انسان است از این روست که عدل و عادل و عدالت‌گستر را فطرتاً دوست دارد و این دوست داشتن را بدون آن که آموزش در این باب دیده باشد یا تجربه‌ای کسب کرده باشد به مثابه امری پیش از تجربه مورد توجه قرار می‌دهد.

عدم نسبیت عدالت

استاد مطهری معتقد است که عدالت دارای مفهوم مطلق است لذا از جاودانگی و یکسانی در همه زمان‌ها و مکان‌ها برخوردار است و نسبت به شرایط جوامع و افراد و مقتضیات دچار تغییر نمی‌شود و آن چه در واقع تغییر پیدا می‌کند مصادیق عدل است نه مفهوم عدل. ایشان در این باره می‌گویند اگر عدالت نسبی باشد در نتیجه در هر جامعه‌ای یک جور است، در هر زمان هم یک جور است، پس عدالت نمی‌تواند یک دستور مطلق داشته باشد و بنابراین هیچ مکتبی نمی‌تواند یک دستور مطلق بدهد و بگوید این عدالت است و باید همیشه و همه جا اجرا شود.^۶

از نظرگاه استاد نسبی بودن عدالت با خاتمیت و ابدیت اسلام نیز ناسازگاری دارد. ایشان در این باره می‌نویسد مسئله نسبیت عدالت با اساس خاتمیت و ابدیت دین بستگی دارد، چون دین می‌گوید عدالت هدفی از هدف‌های انبیاء است و اگر در هر زمان عدالت یک جور باشد کدام قانون است که می‌تواند ابدیت داشته باشد.^۷

نکته: از منظر استاد لازم است نسبیت عدالت این است که هیچ دستور ثابت و جاویدی وجود نداشته باشد و این اساس خاتمیت و جاودانگی دین اسلام را زیر سؤال می‌برد.

آثار گسترده عدالت

از منظر استاد گستره موضوع عدالت به حدی است که به همه وجود و هستی ارتباط پیدا می‌کند. ارتباط با مبدأ هستی یعنی خداوند با عالم تکوین و خلقت، با عالم تشریح یعنی دین، با افراد و اجتماع انسانی و خلاصه موضوع عدالت، هستی، جوامع بشری و همه آحاد انسانی می‌باشد. استاد معتقد است عدل آن جاکه به توحید یا معاد مربوط می‌شود به نگرش انسان به هستی و آفرینش شکل خاصی می‌دهد، آن جاکه به نبوت مربوط می‌شود یک مقیاس و معیار قانون‌شناسی است آن جاکه به امامت و رهبری مربوط می‌شود یک شایستگی است آن جا که پای اخلاق به میان آید آرمانی انسانی است و آن جاکه به اجتماع کشیده می‌شود یک مسئولیت است.^۸ در خصوص زندگی فردی و اجتماعی انگیزه آدمی را دو چندان خواهد نمود چراکه اگر خداوند را عادل بدانیم پذیرش انجام عمل قبیح از خداوند امری محال می‌شود

در نتیجه اعمال خوب ما انسان‌ها نیز ارزش پیدا می‌کند و مجازات و پاداش الهی بر مبنای استحقاق و عدالت صورت می‌گیرد. و انسان‌ها در قبال اعمال خود احساس مسئولیت می‌کنند. بدیهی است با این نگرش جبر و اختیار نداشتن، معنای خود را از دست می‌دهد و مبارزه با حاکمان ظلم و خدایان دروغین و ظالمان در دستور کار قرار می‌گیرد. امر به معروف و نهی از منکر ارزش واقعی خود را می‌یابد و جامعه پذیرای هرگونه عمل خود سرانه‌ای نخواهد شد و استثمار و استعمار ولو در قالب‌های جدید و نو کم‌رنگ می‌شود. این نگرش باعث می‌شود که انسان همه اعمال خود را در پیشگاه الهی ولو به مقدار خردل محفوظ بداند، به تعبیر صریح قرآن هر فردی عمل خوبی را که انجام داده به صورت کامل پاداش دریافت می‌کند و به هیچ کس ظلم نمی‌شود.^۹

آثار دیگر گستره عدالت، ساده شدن تحمل مشکلات است. در زندگی ما آدمیان مصائب و سختی‌هایی پیش می‌آید که گاهی آن قدر سنگین است که افراد سست ایمان دست به حرکات شنیع و اعمال بد می‌زنند، اگر اعتقاد به خدا و عدل الهی در کار باشد و انسان آن را باور کند حل مشکلات برای او راحت‌تر می‌شود، و می‌داند که این بلا یا از طرف خود او شکل گرفته و آن را به وجود آورده و باید به خود بیاید و آن را جبران نماید و یا این که از طرف خداوند می‌باشد که چون آن مبدأ ذی شعور را عادل می‌داند، نتیجه می‌گیرد که فعل الهی بی حکمت نمی‌باشد و از خداوند حکیم کار عبث و بیهوده سر نمی‌زند و این گونه برای خود تفسیر می‌کند که خداوند می‌خواهد ما آدمیان را متنبه کند و ما را از خواب غفلت بیدار کند که دیگر مرتکب گناه نشویم و یا این که ممکن است انسان گناهی انجام نداده باشد اما باز خیری برای انسان لحاظ گردیده است که این اتفاق صورت می‌گیرد. مثل این که پدر و مادری فرزند نونهال خود را به درس و امی دارند و بعد از مدتی خیر آن عمل روشن می‌شود و به تعبیر قرآن چه بسا کارهایی را که شما زشت می‌شمارید همان برای شما خیر است.^{۱۰} استاد مطهری می‌کوشد این مسئله را در عدالت تبیین کند که اعتقاد به عدل، اعتقاد به اصل آزادی انسان و مسئولیت انسان و سازندگی است.^{۱۱}

در بعد اخلاقی و بازتاب صفت عدل الهی در آن نیز باید اشاره نمود، توجه به اوصاف الهی سبب می‌شود که انسان چشم دل را عمیقاً به آن نقطه کمال مطلق بدوزد و کوشش کند

در همه ابعاد، خود را به او نزدیک کند به گونه‌ای که سبب تخلُّق به اخلاق الهی و انعکاس صفات الهی در انسان گردد.

در بعد اجتماعی، اعتقاد به عدالت در فرد فرد مسلمانان و جوامع اسلامی اثر می‌گذارد و آن‌ها را به سوی مدیریت صحیح در کارها و برافراشتن پرچم عدل و داد در جهان می‌گرداند. هم چنین می‌توان مظلومان جهان را بسیج کرده و برای قیام عمومی و ایستادگی در برابر ظلم از آن‌ها مدد خواست. در بعد اعتقادی عدل از منظر استاد همدوش توحید است و به هستی و آفرینش شکل خاصی می‌دهد.^{۱۲} آری خدایی که عادل است به جز اجرای عدالت به چیزی راضی نمی‌باشد. در نبوت، عدل در نگاه استاد هدف تشریح است چراکه عدالت و اجرای آن از مسائل اصلی و بنیادین پیامبران است و در آیات و احادیث زیادی این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است. عدل در نظرگاه ایشان رکن معاد محسوب می‌شود چراکه اعتقاد به معاد محور بزرگی است برای رسیدن به ضرورت رعایت عدالت و اجرای آن در همه شئون زندگی به وسیله همه کس و لذا به دید قرآن کارهای انسان ولو به اندازه خردل فراموش نمی‌شود.^{۱۳}

در خصوص امامت استاد معتقد است عدل فلسفه زعامت و امامت می‌باشد.^{۱۴} آری پیامبر بارها انتخاب علی(ع) را یادآوری نمود و علت این انتخاب را مطرح نمود که ایشان بیش از همه به اجرای عدالت مقید است و از همه برتر به رفتار عادلانه می‌اندیشد.^{۱۵} ساختن انسان‌ها بر طبق موازین قرآنی، اصل رسالت محمدی است و ادامه آن باید توسط نَصّ محمدی از طرف ایزد سرمدی معین شود پس جامعه تنها هنگامی پیرو قرآن و آورنده قرآن است که در آن عدالت اجرا گردد و اجرای واقعی آن جز از طریق امام برگزیده الهی میسر نمی‌باشد.

عدالت‌ورزی خداوند و پرسش‌های کلامی

در زمینه عدالت‌ورزی خداوند پرسش‌هایی مطرح می‌باشد که یافتن پاسخی معقول برای آن‌ها می‌تواند در تحکیم اعتقاد به عدل الهی مؤثر باشد.

۱. تبعیض یا تفاوت از جمله سؤالاتی است که استاد فرزانه مطهری به آن پرداخته است. مسئله تبعیض و تفاوت است^{۱۶} چکیده سؤال استاد این است که آیا وجود تفاوت میان

موجودات با عدل الهی سازگار است؟ چرا خدا یکی را انسان و دیگری را حیوان یا گیاه آفریده است؟ و چرا حیوانات، گیاهان و جمادات را از موهبت انسان بودن محروم کرده است؟ چرا پاره‌ای از آدمیان بینا و برخی نابینا هستند. استاد در جواب این سؤال می‌نویسد جهان هستی با یک سلسله نظامات و قوانین ذاتی و لایتغیر اداره می‌شود که به موجب آن هر شیء مرتبه خاصی دارد و لازمه نظام داشتن هستی وجود مراتب مختلف و درجات متفاوت برای هستی است و همین مطلب منشأ پیدایش تفاوت‌ها و اختلاف‌ها می‌شود. تفاوتی که لازمه ذاتی آفریدگان است و آن چه نقض بر عدالت می‌تواند باشد تبعیض است نه تفاوت و آن چه که در جهان است تفاوت است.^{۱۷} ایشان در صدد اثبات این نکته است که وجود انواع گوناگون تفاوت میان آفریدگان خداوند از لوازم جدایی‌ناپذیر قوانینی است که تغییر یا جدایی آن‌ها از جهان امکان ندارد و دست نیافتن برخی موجودات به پاره‌ای کمالات از آن روست که به دلیل قوانین حاکم بر هستی اساساً قابلیت نیل به چنین کمالاتی را ندارند.

۲. تناسب یا عدم تناسب عدالت‌ورزی خداوند با مجازات‌های اخروی

آیا مجازات‌های اخروی با عدل الهی سازگاری دارد زیرا در مجازات‌های اخروی تناسب میان جرم و جریمه وجود ندارد و مجازات‌ها به حسب ظاهر غیر عادلانه اجرا می‌شود.^{۱۸} مبنای پرسش استاد این است که باید نوعی تناسب عقلی میان جرم و کیفر رعایت گردد و حال آن که شریعت، به حسب ظاهر مجازات‌های اخروی سنگین را برای گناهان لحاظ کرده است. مثلاً قرآن مجازات کسی را که از سر عمد انسان مؤمنی را به قتل برساند جاودانگی در دوزخ می‌داند آیا این مجازات با عدل الهی سازگار است؟

جواب این شبهه را استاد با تفاوت گذاشتن بین ماهیت مجازات‌های اخروی و دنیوی تبیین می‌کنند و می‌نویسد مسئله تناسب جرم و کیفر مربوط به کیفرهای قراردادی است که رابطه آن‌ها با جرم، رابطه قراردادی است نه واقعی و ذاتی اما مکافات‌های طبیعی نتیجه و لازمه عملند و آن چه که در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می‌شود تجسم خود عمل آن‌هاست.^{۱۹}

به دیگر عبارت استاد معتقد است مقدار و کیفیت مجازات‌های قراردادی، تابع وضع و قرارداد است از همین رو گاه در نظام‌های حقوقی متفاوت، کیفرهای مختلفی برای جرم واحد

در نظر گرفته می‌شود مثلاً در یک نظام حقوقی، کیفر قتل اعدام و در نظام حقوقی دیگر حبس ابد می‌باشد ولیکن مجازات‌های اخروی، قراردادی نمی‌باشد بلکه نتیجه تکوینی و قهری اعمال بدکاران و یا ظهور چهره حقیقی گناهان است.

۳. مرگ و عدالت خداوند

پرسش دیگری که در باب عدالت‌ورزی خداوند مطرح است و به مسئله مرگ مربوط می‌شود این است که چرا ما آدمیان پس از آن که لذت حیات را چشیدیم و آرزوی جاودانگی در وجودمان پیدا شد باید به دیار نیستی برویم و آیا این بادادورزی خدا سازگار است؟ شهید مطهری ضمن طرح این شبهه معتقد است ترس از مرگ و نگرانی از آن مخصوص انسان است چرا که در انسان آرزوی خلود و جاوید ماندن وجود دارد و این آرزو مخصوص انسان است.^{۲۰} استاد در جواب این شبهه می‌نویسد که سؤال مربوط به مرگ از این جا پیدا شده که آن را نیستی پنداشته‌اند و حال آن که مرگ برای انسان تحول و تطور است غروب از یک نشئه و طلوع در نشئه دیگر. پایان‌بخشی از زندگی انسان و آغاز مرحله‌ای نوین از زندگی اوست.^{۲۱} اجمالاً می‌توان گفت که استاد معتقد است مرگ یکی از لوازم جدایی‌ناپذیر زندگی در عالم طبیعت است و موجودی که در دامان طبیعت رشد پیدا کرد، نمی‌تواند تا ابد در آن بماند افزون بر این، مرگ پایان هستی انسان نمی‌باشد بلکه انتقال از جهانی به جهان دیگر می‌باشد و این منافاتی با عدل الهی ندارد.

۴. عدل الهی و درد و رنج آدمیان

آیا درد و رنجی که از ناحیه بلایا، بیماری‌ها، مشکلات و مانند این‌ها برای انسان‌ها در طول حیات آن‌ها پیش می‌آید با دادورزی خداوند سازگار است؟ استاد مطهری در جواب این سؤال می‌نویسد خدا برای تربیت و پرورش جان انسان‌ها دو برنامه تشریحی و تکوینی دارد و در هر برنامه شدائد و سختی‌ها را گنجانیده است، در برنامه تشریحی عبادات را فرض کرده و در برنامه تکوینی مصائب را بر سر راه بشر قرار داده است. روزه، حج، جهاد و... شدائدی است که با تکلیف ایجاد کرده و صبر و استقامت در انجام آن‌ها موجب پرورش استعدادهای انسانی است. گرسنگی، ترس، تلفات مالی و جانی شدائدی است که در تکوین پدید آورده است و به طور قهری انسان را دربر می‌گیرد.^{۲۲} ایشان معتقد است فرمول اصلی آفرینش جهان فرمول تضاد است و دنیا جز مجموعه‌ای از تضاد نیست هستی و نیستی،

حیات و موت، بقا و فنا، سلامتی و بیماری، پیری و جوانی، خوشبختی و بدبختی و به قول سعدی گنج و مار، گل و خار و غم و شادی بهمند.^{۲۳}

سخن پایانی

در این مقال تلاش شد تا بعضی از کارکردهای کلامی نظریه عدالت از منظر متکلم معاصرمان شهید مطهری تبیین گردد. گرچه بحث از عدالت بسیار گسترده‌تر از آن است که بتوان با این حجم محدود، همه زوایای کلامی آن را بیان کرد. لذا توجه عمده ما تنها به چند محور کلی صورت گرفته است که توجه آن عزیز سفر کرده را به خود جلب کرده بود. رویکرد و رهیافت استاد به نظریه عدالت نظام‌آفرین و مبنایی است به گونه‌ای که توانسته است بسیاری از مسائل کلامی در خداشناسی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی، مبانی اخلاقی و مانند آن را بر نظریه عدالت استوار گرداند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. عدل الهی، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، مرداد ۷۷.
۴. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۱، صدرا، تهران، مرداد ۶۸.
۵. یادداشت‌های مرتضی مطهری، جلد ۶، صدرا، تهران.
۶. مجموعه آثار استاد مطهری، جلد ۸، صدرا، تهران، بهمن ۷۶.
۷. مجموعه آثار استاد مطهری، جلد ۳، صدرا، تهران، فروردین ۷۲.
۸. فطرت، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۷۶.
۹. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، بی‌تا.
۱۰. اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، اردیبهشت ۷۶.
۱۱. مجموعه آثار استاد مطهری، جلد ۱۶، صدرا، تهران، مرداد ۷۷.

پی‌نوشتها

۱. عدل الهی، ص ۵۶.
۲. مجموعه آثار، ج ۸، ص ۱۵۴.
۳. عدل الهی، ص ۳۸.
۴. یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۶، ص ۲۳۲.
۵. سیری در سیره انمه اطهار، ص ۲۶۶.
۶. اسلام و مقتضیات زمان، ۳۰۴.
۷. اسلام و مقتضیات زمان، ۳۱۶.
۸. عدل الهی، ص ۳۷.
۹. بقره، ۲۸۱.
۱۰. بقره، آیه ۲۶.
۱۱. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ج ۲، ص ۱۰۳.
۱۲. عدل الهی، ص ۳۷.
۱۳. انبیاء، آیه ۴۷.
۱۴. عدل الهی، ص ۳۷.
۱۵. نهج البلاغه، ص ۳۹۲.
۱۶. عدل الهی، ص ۹۳.
۱۷. عدل الهی، ص ۱۱۹.
۱۸. عدل الهی، ص ۱۹۲.
۱۹. عدل الهی، ۲۰۴، ۲۰۶.
۲۰. عدل الهی، ص ۱۷۶.
۲۱. عدل الهی، ص ۱۸۰.
۲۲. عدل الهی، ص ۱۵۴.
۲۳. همان، ص ۱۶۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی